

خلط میان دو شخصیت

حسن انصاری قمی^۱

نویسنده این سطور از سال‌ها پیش مطالعه بر روی رجال حدیث و فقه و کلام امامی را در دوره میانی شیخ طوسی و منتجب‌الدین رازی، به دلیل کاری که به عنوان تکمله تحقیق متن کتاب فهرست منتجب‌الدین در دست انجام دارد، پی گرفته است. مرحوم محقق طباطبایی در اواخر عمر پربرکتشان طبع دوم فهرست منتجب‌الدین را به نویسنده این سطور واگذار کردند و من نیز متن کتاب را باری دیگر با دست‌نوشته‌های اولیه محقق طباطبایی مقابله کردم و هم در مقدمه و هم در متن و یا حواشی کتاب به موارد زیادی برخوردیم که یا از چاپ نخست افتاده بود و یا از مطالبی بود که به خط آن مرحوم در اختیار من برای مدتی قرار گرفت و جزء تعلیقات و اصلاحاتی بود که آن مرحوم بعدها در دو نسخه چاپی شخصی خود افزوده بودند و نویسنده این سطور به تزیق آنها در داخل تحقیق جدید مبادرت کرد. بنا به سفارش آن مرحوم، من تمامی اصلاحات و اضافات را بر اساس منابع پیشگفته در ویرایش جدید داخل کردم و علاوه بر آن، باز به سفارش ایشان تعدادی از کتاب‌های مهم در تراجم و رجال را که ایشان بنا داشتند در تکمیل تعلیقاتشان به آنها نیز مراجعه کنند، مورد مراجعه قرار دادم و البته لازم بود که در مواردی که کتاب‌ها در سال‌های پس از چاپ نخست، منتشر شده بود و آن مرحوم از نسخه‌های خطی آن بهره برده بودند، ارجاعات اصلاح کردند. مواردی هم در تعلیقات مرحوم محدث ارموی بر فهرست منتجب‌الدین وجود داشت که ایشان به احترام کار ایشان در چاپ خود عموماً اشاره‌ای به آن موارد نکرده بودند و البته پس از انتشار تحقیق مرحوم محدث، دیگر نیازی به این حساسیت دیده نمی‌شد و لازم بود که آن موارد هم در شکل ویژه خود در تعلیقات طبع جدید مورد ملاحظه قرار گیرند. با این وصف با توجه به اجازه‌ای که از آن مرحوم داشتم، تصمیم گرفتم که آنچه در حوزه کار ایشان بوده است و یا به نحوی ایشان توصیه خاص نسبت به اعمال آن موارد داشته‌اند (مانند شماری از کتاب‌های

۱. پژوهشگر متون رجالی، حدیثی و کلامی

ansari@kateban.com

آنچه در بالا ذکر شد و افزوده‌هایی که در پی می‌آید، نباید به منزله انتقاد از کار بزرگ سزگین قلمداد شود و به‌راستی نیز چنین قصدی در میان نبوده است. بلکه باید امیدوار بود که همان اندک‌محققانی که در این زمینه فعالیت دارند، چنین اطلاعاتی را، که به زعم خود می‌تواند به کامل‌شدن مجلد حاضر کمک کند، ارائه دهند. بی‌تردید، هیچ‌کس بیش از خود سزگین سپاسگزار این کار نخواهد بود، چنان‌که خود تصدیق می‌کند (ص ۲۵): «اکنون، ما هنوز فاصله‌ی بسیاری با ارائه‌ی کامل علوم عربی داریم، زیرا خلأهای چشم‌گیری وجود دارد. بسیاری از آثار مفقود شده است و شمار دیگری از آنها، که از وجودشان آگاهی داریم، هنوز بررسی نشده‌اند.»

آن جلد از کتاب سزگین که در باره‌ی ریاضیات است (۵۱۵ صفحه) در ۱۹۷۴م و آن جلد که در باره‌ی شعر است (۸۰۸ صفحه) در ۱۹۷۵م به چاپ رسیده است. بنابراین، مجلد حاضر در باب ریاضیات را نمی‌توان به‌تنهایی ارزیابی کرد، بلکه باید آن را یکی از جلدهای مجموعه‌ای دانست که سزگین در آنها به‌گونه‌ای نظام‌مند، علوم قرآنی، نوشته‌های حدیثی، تاریخ، فقه، عقاید، تصوف، شعر، پزشکی، داروسازی، جانورشناسی، کیمیا، شیمی، گیاه‌شناسی، کشاورزی و اکنون ریاضیات و به‌زودی نجوم و احکام نجوم، فیزیک و فلسفه را بررسی کرده است. نویسنده‌ی مقاله‌ی حاضر همچنان از دست‌آورد عظیم سزگین حیران و شگفت‌زده است.

یادداشت‌هایی که در پی می‌آید، مدخل‌های سزگین برای برخی از مؤلفان را تکمیل می‌کند. در این مرحله، افزودن دست‌نویس‌های دیگر از آثاری که سزگین چندین نسخه از آنها را فهرست کرده است، کار بیهوده‌ای خواهد بود. تلاش من بر این بوده است که نقد خود را به آثار ریاضی و آثار نجومی که با تاریخ ریاضیات پیوند خاصی دارد، محدود سازم. این یادداشت‌ها بیش از هر چیز نقل قول‌ها و ارجاعات کتاب‌شناختی هستند و من در خصوص گفته‌های آغازین سزگین درباره‌ی مؤلفان و دست‌آوردهایشان اظهار نظری نکرده‌ام، زیرا اساساً نتیجه‌گیری‌های سزگین بر پایه‌ی نوشته‌های درجه‌ی دوم است.



تراجم که ایشان تأکید داشتند که می‌بایست در چاپ جدید از آنها به طور کامل بهره گرفت) در مجلد اول کتاب فراهم کنم و تعلیقات و اضافات دیگر را در مجلد دوم قرار دهم. بخشی از مجلد دوم را چاپ دوباره برخی از مقالات ایشان قرار دادم که به مناسبت نهج البلاغه و یا مناسبت‌های دیگر وسیله ایشان به طور مستقل نوشته شده بود و بخشی از مجلد نیز اضافات نویسنده این سطور بود که شامل تازه‌یافته‌هایی درباره متن باارزش فهرست منتجب‌الدین است. کار فهرست منتجب‌الدین، چه مجلد نخست و چه مجلد دوم آن هنوز نهایی نشده است و نویسنده این سطور هنوز فرصت لازم را برای آماده‌سازی نهایی این کتاب پیدا نکرده است. اما شاید در سایت کاتبان، فرصتی فراهم شود تا دست‌کم بخشی از آنچه را که متعلق به نویسنده این سطور است و به عنوان تکمله کار مرحوم محقق طباطبایی در ده سال گذشته فراهم آمده است، به تدریج در اینجا منتشر کنم.

انتشار متن فهرست و تعلیقات قدیم و جدید مرحوم محقق طباطبایی نیاز به دست‌کم شش ماه کار فشرده دارد و علاوه بر آن، علاقه‌مندم فهرست زمانی منتشر شود که مستدرک الذریعة و نیز تعلیقات الذریعة و طبقات اعلام الشیعة نوشته آن مرحوم انتشار یافته باشند تا بتوان از آن کتاب‌ها هم در تکمیل بخش اصلی تعلیقات فهرست منتجب‌الدین بهره گرفت. علاوه بر این، ایشان در تکمیل مقالات شروح نهج البلاغه هم مطالبی درباره برخی از رجال فهرست منتجب‌الدین نوشته‌اند که بی‌نهایت ارزشمند است و متأسفانه تاکنون آن بخش الحاقی منتشر نشده است. آرزومندم با همت کتابخانه محقق طباطبایی کلیه آنچه متعلق به نهج البلاغه است (معرفی نسخه‌های خطی، شروح و غیره) در کتابی همانند اهل‌البیت فی المکتبة العربیة منتشر شوند تا از آن هم بتوان در تکمیل تحقیق الفهرست بهره برد. به هر حال ایشان همه این کارها را به نحوی مرتبط با تصحیح متن الفهرست منتجب‌الدین می‌دانستند و تأکید داشتند که همه این موارد در طبع جدید در کنار مطالب قدیم قرار گیرد.

از دیگر سو نویسنده این سطور به مناسبت کار بزرگی که با همکاری دوست محترم جناب آقای حسین درگاهی از حدود چهارده سال پیش آغاز کرد، تدوین معجم بزرگ اعلام شیعه را و جهت همت خود قرار داد که البته کار آن پس از فراهم آمدن بیش از سی‌هزار فیش در

طول چند سال و با همکاری شماری از محققان به یکباره قطع شد و متأسفانه آن طرح به دلایل مختلف و از جمله اسباب مالی، نیمه‌کاره رها گردید و نمی‌دانم الآن در چه وضعیتی است؛ شاید آقای درگاهی همتی کنند و آن را به صورتی منتشر کنند.

از دیگر سو از چند سال پیش تحقیق تازه‌ای از متن کتاب الحوای ابن ابی‌طی را آغاز کرده‌ام که آن هم با تعلیقات فراوانی است و امید دارم به تدریج برخی از مطالب تازه آن را منتشر کنم.

هم اینک کتابی از سوی دانشمند محقق آقای احمد پاکتچی منتشر شده است که بخشی از آنچه را که این‌جانب سابقاً در سه طرح پیشگفته، یعنی نوشتن تکمیل تعلیقات فهرست منتجب‌الدین و نیز تدوین معجم اعلام شیعه و همچنین انتشار تصحیح تازه‌ای از کتاب الحوای در دست داشته است، پوشش می‌دهد و بی‌تردید برای دیگر محققان هم به کار می‌آید و اثری است درخور ستایش که با تتبع خوب در منابع متعدد سامان گرفته است. این کتاب به عنوان مکاتب فقه امامی ایران پس از شیخ طوسی تا پایگیری مکتب حله (تهران، ۱۳۸۵ ش) منتشر شده است. پیش از این هم کتابی با عنوان موسوعة طبقات الفقهاء از سوی موسسه آقای جعفر سبحانی در قم منتشر شده بود که تلاش مهمی بود برای تدوین طبقات فقیهان شیعه و سنی، و برای تحقیقات رجالی و تراجم‌نگاری سخت به کار می‌آید. هر دوی این کارها مفید هستند و مکمل یکدیگرند و نمی‌توان یکی را بر دیگری ترجیح داد. البته مانند هر کار علمی از این دست، این قبیل تحقیقات نیاز به اصلاح پاره‌ای از اشتباهات و داوری‌ها دارند که مهمترین آنها خلط میان رجال هم نام و یا عدم توجه به طبقات رجال است. در این یادداشت، تنها به ذکر یک مورد می‌پردازم و شاید در آینده به برخی موارد دیگر هم اشاره کنم:

در ذیل معرفی یکی از فقیهان مکتب فقهی متکلمان در طبرستان و گرگان، در کتاب احمد پاکتچی، شخصی معرفی شده است به نام علی بن ابی‌طالب سیلقتی (ص ۱۴۱). در این شرح حال نویسنده میان دو تن، یکی زیدی و دیگری محدثی امامی، که اصلاً به عنوان فقیه مطرح نشده خلط کرده و آن دو را یکی پنداشته است. بنابراین نتیجه این شده که فقهی زیدی مذهب و متعلق به اهل به عنوان فقهی امامی و متعلق به مکتب متکلمان ارائه شده

است. توضیح اینکه در الفهرست منتجب‌الدین، وی از یکی از رجال سادات نامدار زیدی شمال ایران ظاهراً به عنوان یک امامی یاد می‌کند و درباره او می‌نویسد:

الفهرست منتجب‌الدین، ص ۸۸: «السید علی بن ابی طالب الحسنی الأملی. فقیه، صالح».

این شخص کاملاً شناخته شده است و ما درباره او اطلاع زیادی در منابع زیدی و امامی داریم و می‌دانیم که به المستعین بالله نامبردار بوده است. منتجب‌الدین در الأربعین خود هم روایتی از این شخص می‌آورد که در حقیقت چیزی نیست جز روایتی از امامی ابوطالب هارونی که می‌دانیم المستعین بالله از حلقه‌های روایت آن کتاب بوده است و نامش هم در سند آغازین این کتاب هم اینک دیده می‌شود. در اینجا روایت منتجب‌الدین را نقل می‌کنیم:

الأربعون حدیثاً، منتجب‌الدین بن بابویه، ص ۵۹: «الحديث الثلاثون: أنا أبوالحسين زيد بن الحسن بن محمد [البیهقی، قدم علينا الری قراءة عليه: أنا السید أبوالحسن علی بن محمد بن جعفر الحسنی الاسترآبادی: نا والدی محمد] بن جعفر والسید علی بن ابی طالب الحسنی الأملی، قالاً: أنا السید ابوطالب یحیی بن الحسین بن هارون الحسنی الهارونی، إملاءً: أنا أبوالحسين البحری...».

در کتاب مکاتب، این شخص زیدی با عالمی امامی خلط شده که نام او هم در منابع، علی بن ابی طالب است؛ اما او با آنکه از سادات بوده، اما نسبش کاملاً با علی بن ابی طالب زیدی فرق می‌کرده و به احتمال بسیار قوی فرزند ابوطالب حسن بن مهدی سیلقی بوده که ما پیشتر او را در جای دیگری (در سایت کاتبان) معرفی کرده‌ایم. فقیه زیدی، نسب حسنی داشته، در حالی که محدث امامی حسینی نسب بوده است. علی بن ابی طالب دومی، از استادان و مشایخ قطب‌الدین راوندی بوده و خود از جعفر بن محمد الدورستی همانند پدرش روایت می‌کرده است. دو نمونه زیر را ارائه می‌دهم تا با شخصیت این محدث امامی آشنایی بیشتری حاصل شود:

۱. المناقب الموفق الخوارزمی ص ۳۱: «أخبرني به السيد الإمام الأول المرتضى، شرف‌الدین، عز الإسلام، علم الهدی، نقيب نقباء الشرق و الغرب، أبوالفضل محمد بن علی بن محمد بن المطهر بن المرتضى الحسينی — فی کتابه إلى من مدينة الری — جزاه الله عنی خیراً». قال: أخبرني السيد أبوالحسن علی بن ابی طالب الحسينی

السيلقي، بقراءتی عليه قال: أخبرني الشيخ العالم أبوالنجم محمد بن عبدالوهاب بن عيسى السمان الرازی، قال: أخبرني الشيخ العالم أبو سعيد محمد بن أحمد بن الحسين النيسابوري الخزاعي، أخبرني محمد بن علی بن محمد بن جعفر الأديب بقراءتی عليه...».

۲. قصص الانبياء از الراوندي ص ۱۴۸: «أخبرنا السيد علی بن ابی طالب السيلقي (كذا: السيلقي)، عن جعفر بن محمد بن العباس، عن أبيه، عن ابن بابويه...».

محدث دومی محدثی امامی است که به احتمال قوی در ری ساکن بوده و در اواخر سده پنجم و اوائل سده ششم فعالیت داشته است. وی ابتدا در منابع به عنوان فقیه شناخته نمی‌شده و حتی شرح حال او در الفهرست منتجب‌الدین هم نیامده است. مقایسه او با فقیه زیدی کاملاً نشان می‌دهد که میان آن دو دست‌کم یک طبقه فاصله وجود داشته و در حالی که اولی از ابوطالب هارونی از معاصران سید مرتضی روایت می‌کرده است، دومی از طبقه شاگردان شیخ طوسی روایت حدیث داشته و روایت او از جعفر بن محمد الدورستی هم تنها به آن دلیل است که دورستی عمر درازی داشته و این امکان برای محدث دومی فراهم شده است که از او روایت حدیث کند. ما در مقاله‌ای که درباره اربعین زید بن رفاعاً (در سایت کاتبان) منتشر کرده‌ایم، به خوبی محدث دومی و پدرش را معرفی کرده‌ایم. برای آن فقیه و دانشمند زیدی هم باید به کتاب ما درباره زیدیه ایران مراجعه کرد؛ اما عجالتاً می‌توان به مقاله ما درباره دو دانشمند شیعی در حال کار که اینک در سایت بررسی‌های تاریخی موجود است، رجوع کرد. جالب اینکه در کتاب پاکتچی، در ذیل معرفی این شخص ترکیبی، نام ابوطالب هارونی و دورستی و ابوالنجم سمان در کنار هم به عنوان مشایخ او ذکر شده‌اند، در حالی که روشن است دو نفر دوم نمی‌توانند معاصر ابوطالب هارونی قلمداد شوند. ابوالنجم سمان از مشایخ عمادالدین طبری است و در ۵۱۰ق زنده بوده است.^۲

بدین ترتیب خلط میان دو تن، فقیهی جدید از مکتب متکلمان امامی طبرستان را ساخته است.

۱. علامت اختصاری «حدثنا» یا «أخبرنا» است.

۲. نک: بشارة المصطفی، ص ۷۰ و موارد دیگر.

